



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۹ بهمن ۱۳۹۷

موضوع جزئی: مسأله ۱۳- جهات شش گانه در مسئله- جهت اول: ادله عدم جواز ترک وطی بیش از چهار ماه

مصادف با: ۲۲ جمادی الاول ۱۴۴۰

سال اول

جلسه: ۶۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مسأله سیزدهم

«لا يجوز ترک وطی الزوجة أكثر من أربعة أشهر إلا بإذنها حتى المنقطة علی الأقوی».

در مسأله سیزدهم بحث از عدم جواز ترک وطی زوجه بیش از چهار ماه است. این مسأله باید از چند جهت مورد رسیدگی قرار گیرد.

بیان اجمالی مسأله

امام(ره) می فرماید: ترک وطی زوجه بیش از چهار ماه جایز نیست، مگر به اذن زوجه، و از این جهت فرقی بین دائمه و منقطعه نیست. «و یختص الحکم بصورة عدم العذر»، عدم جواز ترک وطی زوجه مختص به جایی است که عذری در میان نباشد؛ «و أما معه فیجوز التکرک مطلقاً»، اما اگر عذری در کار باشد، ترک مطلقاً جایز است و دیگر کمتر و بیشتر از چهار ماه فرقی ندارد، «مادام وجود العذر، كما إذا خیف الضرر علیه أو علیها و من العذر عدم الميل المانع عن انتشار العضو»، ایشان سه مورد از اعدار را ایشان ذکر می کند؛ یکی از عذرهای آن است که خوف ضرر برای خود زوج از این عمل باشد یا خوف ضرر بر زوجه باشد یا اساساً تمایلی به این کار نداشته باشد، یعنی ناتوانی برای او عارض شود؛ وقتی تمایلی نباشد، این مانع انتشار العضو می شود که مقدمه مجامعت است.

تا اینجا تقریباً دو سه جهت را ایشان گفته است؛ ما یکایک این جهتها را به تفکیک بررسی خواهیم کرد:

جهت اول فرمود: «لا يجوز ترک وطی الزوجة»؛ این همان جهت اولی است که ما باید درباره آن بحث کنیم، یعنی مستند اصل این حکم چیست و بعد اینکه آیا اگر زوجه اذن در ترک بدهد و راضی باشد، عدم جواز برداشته می شود یا اینکه مطلق است. جهت دوم، بحث از شمول این حکم نسبت به زوجه منقطعه است.

جهت سوم، بحث از اختصاص حکم به صورت عدم العذر است.

امام(ره) در بحث از جهت چهارم می فرماید: «و هل یختص الحکم بالحاضر»، آیا حکم عدم جواز ترک وطی الزوجة مختص به حاضر است، یعنی کسی که در وطن خودش حضور دارد؛ «فلا بأس علی المسافر و إن طال سفره»، لذا برای مسافر این حکم ثابت نیست، ولو سفر او طول بکشد؛ مثلاً کسی که یک سال به مسافرت می رود، حکم عدم جواز شامل او نمی شود. «أو یعمهما»، یا اینکه شامل مسافر نیز می شود؟ «فلا يجوز للمسافر إطالة سفره أزيد من أربعة أشهر»، بر این اساس، اگر گفتیم حکم عدم جواز شامل مسافر نیز می شود، حق ندارد سفرش را بیش از چهار ماه طولانی کند. «بل یجب علیه مع عدم العذر الحضور لإیفاء حق زوجته؟»، طبق قول دوم، حضور بر او واجب است تا حق زوجه را ادا کند. یعنی بعد از چهار ماه

واجب است که از سفر خود برگردد تا این حق را ادا کند. «قولان، أظهرهما الأول»، اظهر آن است که حکم مختص به حاضر است. «لکن بشرط کون السفر ضروريا و لو عرفا»، البته این در صورتی است که سفری که می‌رود، سفر ضروری باشد و منظور از ضروری بودن سفر، ضروری عرفی است و نه شرعی. «کسفر تجارة أو زیارة أو تحصیل علم و نحو ذلک»، برای تجارت، زیارت، تحصیل علم و امثال اینها، سفر ضروری عرفی هستند. «دون ما کان لمجرد الميل و الأتس و التفرج و نحو ذلک علی الأحوط»، اما اگر برای گشت و گذار و خوشگذرانی و برای اینکه سفر را دوست دارد باشد، دیگر نمی‌توان گفت این حکم مربوط به حاضر است و شامل مسافر نمی‌شود به شرط اینکه سفر مسافر از دید عرف یک سفر لازم و ضروری محسوب شود؛ اما اگر غرض او تفرج و انس با رفقا و خوشگذرانی باشد، اینجا يجب الحضور علی الاحوط؛ امام(ره) در این مورد قائل به احتیاط و جویی شده‌اند.

این یک توضیح اجمالی در مورد مسأله سیزدهم بود.

عرض کردیم به طور کلی امام(ره) در این مسأله متعرض چهار جهت شده‌اند. اما به نظر می‌رسد برای تکمیل بحث خوب است که به دو جهت دیگر نیز متعرض شویم که مرحوم سید در عروه نیز به آنها متعرض شده است؛ لذا در اینجا مجموعاً شش جهت قابل بحث است. من فهرست این جهات را عرض می‌کنم و إن شاء الله یک به یک درباره این جهات بحث خواهیم کرد.

جهات شش گانه در مسئله

جهت اول: در بیان اصل حکم است؛ یعنی «عدم جواز ترک وطئ الزوجة اکثر من اربعة اشهر» و استثنائی که در ذیل آن آمده است. چون امام(ره) فرمود «لایجوز الا باذنها»، یعنی در صورتی که اذن و رضایت زوجه باشد، یجوز.

جهت دوم: درباره شمول این حکم نسبت به زوجه منقطعه است؛ بحث است که آیا این فقط در خصوص دائمه است یا شامل زوجه منقطعه نیز می‌شود. مثلاً کسی یک زنی را به مدت دو سال به ازدواج موقت خود در آورد ولی پنج - شش ماه وطئ با او را ترک کند؛ آیا این یجوز او لایجوز؟

جهت سوم: درباره اختصاص حکم به صورت عدم عذر است؛ یعنی این عدم جواز مربوط به آنجایی است که عذری نباشد و الا اگر عذر باشد، این حکم منتفی است.

جهت چهارم: که امام(ره) متعرض آن شده‌اند، این است که آیا حکم مختص به حاضر است یا شامل مسافر نیز می‌شود، و اگر شامل مسافر می‌شود، آیا مطلق سفر مقصود است یا سفر ضروری.

جهت پنجم: که امام(ره) متعرض آن نشده‌اند، این است که آیا عدم جواز ترک وطئ زوجه مختص به زن جوان است یا شامل قواعد من النساء نیز می‌شود. امام(ره) متعرض این جهت نشده‌اند اما مرحوم سید در مسأله هفتم از مسائل مربوط به مایتعلق بالدخول فی الزوجة، این جهت را متعرض شده‌اند.

جهت ششم: که امام(ره) متعرض آن نشده‌اند، این است که منظور از عدم جواز ترک وطئ، آیا وطئ فی القبل است یا اینکه اگر وطئ فی الدبر هم انجام شود به این حکم عمل شده است. به عبارت دیگر، وطئ بالدبر برای خلاصی از عدم جواز کافی است یا لایکفی؟

این شش جهت را إن شاء الله بررسی می‌کنیم. جهت دیگری که در کلمات برخی بیان شده ولی ضرورتی به تعرض آن نیست، آن است که آیا این شامل مملوکه نیز می‌شود یا اینکه مختص به حره است؟ ما این جهت را بحث نمی‌کنیم؛ اما این شش جهت را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

جهت اول: ادله عدم جواز ترک وطی بیش از چهار ماه

اما الجهة الاولى؛ جهت اولی درباره مستند اصل حکم است که به چه دلیل گفته شده «لايجوز ترك وطی الزوجة اكثر من اربعة اشهر». این منسوب به اکثر فقها شده؛ یعنی کاشف اللثام این حکم را به اکثر نسبت داده است؛^۱ صاحب نهاية المرام فرموده: «هو المعروف من مذهب الاصحاب»؛^۲ شهید در مسالك فرموده: «أنه موضع وفاق».^۳ لذا در اینکه یک شهرت قویه‌ای در این باره وجود دارد تردیدی نیست و در کتب فقها نوعاً این حکم بیان شده است. اما ادله این حکم چیست؟ به چند دلیل و مؤید برای این حکم استدلال شده است.

دلیل اول: اجماع

دلیل اول که در کلمات بعضی آمده اجماع است؛ گفته‌اند اجماع بر عدم جواز ترک وطی الزوجة فی هذه المدة قائم شده است.

بررسی دلیل اول

اولاً: این اجماع علی الظاهر پایه و اساسی ندارد؛ چون در کلام صاحب جواهر که اشاره به معروفیت و موضع وفاق بودن این حکم بین الاصحاب شده، تعبیر اجماع را به کار نبرده است. تعبیر ایشان این است: «و لعله الحجة بعد كونه مدة الإیلاء، و صحیح عن الرضا(ع)»؛ ایشان اینطور فرموده که لعل این موضع وفاق بودن و معروف بودن حجت باشد، یعنی کأن می‌خواهند بگویند از ضمیمه موضع وفاق بودن و معروفیت و شهرت به ادله دیگر، مجموعاً می‌توانیم حجت بر این حکم پیدا کنیم و الا معلوم نیست کسی در این رابطه ادعای اجماع کرده باشد. آنچه در این باره ذکر شده این است که این معروف است و موضع وفاق است، اما موضع وفاق بودن کجا و اجماع کجا. بارها گفته‌ایم که ادعای لاخلاف و ادعای موضع وفاق بودن، با ادعای اجماع فرق می‌کند؛ چون ملاک، کشف رأی معصوم است. از اجماع می‌توان رأی معصوم را کشف کرد اما از موضع وفاق بودن و معروف و مشهور بودن نمی‌توان رأی معصوم را کشف کرد.

بنابراین به نظر می‌رسد که اولاً اجماعی در این مقام وجود ندارد و حتی کسی ادعای اجماع هم نکرده است. ثانیاً: سلّمنا که چنین ادعایی شده باشد، این اجماع منقول است؛ چون به هیچ وجه اجماع محصل در اینجا نداریم. اگر هم چنین اجماعی باشد، احتمال مدرکی بودن این اجماع قوی است و بلکه اصلاً می‌توانیم بگوییم که این اجماع مدرکی است. لذا اجماع نمی‌تواند مبنای عدم جواز ترک وطی الزوجة اكثر من اربعة اشهر باشد.

دلیل دوم: آیه

دلیل دوم، آیه‌ای از قرآن است؛ آیه ۲۲۶ سوره بقره: «لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَّحِيمٌ * وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». این آیه درباره ایلاء است؛ ایلاء یک رسمی در جاهلیت بود به این صورت

۱. کشف اللنام، ج ۷، ص ۲۷۰.

۲. نهاية المرام، ج ۱، ص ۶۱.

۳. مسالك، ج ۷، ص ۶۶.

که گاهی مردان که از دست همسران خود به خشم می‌آمدند، بر ترک وطی با آنها قسم می‌خوردند آن هم به قصد اضرار و ایذاء به زوجه؛ برای اینکه زوجه را تنبیه کنند، قسم می‌خوردند که دیگر با زن وطی نخواهند کرد. در اسلام این رسم مورد اشکال قرار گرفت و تخطئه شد. منتهی یک مدتی را قرار دادند که اگر کسی این کار را کند و بر ترک مجامعت با زوجه قسم بخورد، تا چهار ماه صبر می‌کند. این چهار که گذشت، این مرد یا باید زنش را طلاق دهد یا به زوجه برگردد و قسم به عدم وقوعه را کنار بگذارد. اگر طلاق نداد و ترک قسم نکرد، زن رجوع به حاکم می‌کند و حاکم می‌تواند او را طلاق دهد.

مضمون آیه این است: «لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ»، کسانی که بر ترک وطی با زنان خود قسم می‌خورند، «تَرْبِصُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ»، چهار ماه فرصت دارد؛ اگر برگشتند «فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» و اگر هم عزم بر طلاق داشتند «فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». یعنی در حقیقت می‌گوید نهایتاً چهار ماه فرصت دارند که یا از این قسم برگردند یا اینکه طلاق بدهند.

تقریب استدلال: این آیه چگونه بر عدم جواز ترک وطء الزوجة اکثر من اربعة اشهر دلالت دارد؟ از این آیه استفاده می‌شود که نهایت زمان ممکن برای ترک وطی زوجه چهار ماه است و این صریح آیه است. لازمه این معنا آن است که بعد از چهار ماه يجب الجماع؛ این یک حکم تکلیفی و واجب است. پس اگر چهار ماه بگذرد و از این عمل خودداری کند، طبق این آیه گناهکار است و لذا «لایجوز ترک وطی الزوجة اکثر من اربعة اشهر». به این آیه و مدت ایلاء و مهلتی که به ازواج برای پایان دادن به ایلاء داده شده، ما بدست می‌آوردیم که مدت عدم وطی با زوجه حداکثر چهار ماه است. از این آیه استفاده می‌شود «عدم جواز ترک وطء الزوجة اکثر من اربعة اشهر».

بررسی دلیل دوم

ممکن است یک اشکالی نسبت به استدلال به آیه مطرح شود و آن این که آنچه از آیه فهمیده می‌شود ایلاء است. ایلاء در معنای متعارف در عصر جاهلیت و اصطلاح فقهی قسم بر ترک وطی الزوجة بقصد الاضرار است. در آیه «یؤلون» آمده است؛ یؤلون به حسب معنای متعارف که در بین جاهلیت جریان داشته، به نوعی این خصوصیت در آن مطرح بود.

با توجه به این نکته، استدلال به آیه متوقف بر آن است که ما یؤلون را حمل بر معنای متعارف یا اصطلاحی نکنیم که در آن قصد اضرار نهفته است. چون ادعا است؛ نفس ترک وطی الزوجة چه به قصد اضرار باشد و چه لم یکن بقصد الاضرار. اما اگر آیه حمل بر ایلاء به معنای اصطلاحی شود یا حتی اگر مقصود از ایلاء همان رسم معهود در جاهلیت باشد، اینجا در واقع مهلت تعیین می‌کند برای ترک الوطی اذا كان بقصد الاضرار. حتی اگر قصد را هم ملاک نگیریم، بالاخره اضرار در آن نهفته است. از این جهت ممکن است یک اشکالی نسبت به استدلال به آیه پدید آید.

دلیل سوم: روایت صفوان

دلیل سوم روایتی از صفوان بن یحیی است: «سَأَلَ صَفْوَانَ بْنَ يَحْيَى أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ عِنْدَهُ الْمَرْأَةُ الشَّابَّةَ فَيَمْسِكُ عَنْهَا الْأَشْهُرَ وَالسَّنَةَ لَا يَقْرِبُهَا لَيْسَ يُرِيدُ الْأِضْرَارَ بِهَا يَكُونُ لَهُمْ مُصِيبَةٌ يَكُونُ فِي ذَلِكَ آثِمًا». صفوان بن یحیی از امام رضا (ع) درباره مردی سؤال کرد که زوجه جوانی دارد و از او برای ماه‌ها و حتی یک سال امساک کرده و با او نزدیکی نمی‌کند و اصلاً مسأله اضرار و اذیت و آزار و تنبیه زن مورد نظر او نیست؛ به خاطر گرفتاری و مصیبتی که برای او پیش

آمده، چنین شده است. آیا در این عمل گناهکار محسوب می‌شود؟ «قال(ع): إِذَا تَرَكَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ كَانَ أَثِمًا بَعْدَ ذَلِكَ»^۱، اگر او را به مدت چهار ماه ترک کند، بعد از آن آثم و گناهکار شناخته می‌شود. یعنی «ترک وطئ الزوجة أكثر من أربعة أشهر»، یکون آثماً، این کار اثم و گناه محسوب می‌شود.

امام(ع) در این روایت فرموده ترک وطی آن هم به نحو مطلق، اثم و گناه محسوب می‌شود. نه اضرار در آن ملاک است، نه قصد اذیت ملاک است. لذا در حکمی که بیان شده، اصل ترک را گفته‌اند و نگفته‌اند «ترک الوطئ بقصد الاضرار لایجوز». بله، در مورد ایلاء، غرض اضرار است. اما در این روایت به نحو مطلق فرموده و در این خصوصیتی نیست؛ مطلق ترک مجامعت برای چهار ماه گناه شمرده شده و در آن نیامده که قصد اضرار باشد یا نباشد؛ از این جهت این روایت اطلاق دارد. اما در مورد آیه ملاحظه فرمودید که در آن دو احتمال وجود دارد: طبق یک احتمال، دلیل اخص از مدعا می‌شود و طبق احتمال دیگر مساوی و مثل مدعا می‌شود.

همین روایت را مرحوم شیخ صدوق از صفوان بن یحیی نقل کرده است.^۲ منتهی چه در نقل اول که شیخ طوسی در تهذیب آن را نقل کرده و چه در نقل دیگر که شیخ صدوق در من لایحضر الفقیه آن را نقل کرده، مشکلی از حیث سندی وجود ندارد. اما شیخ طوسی در تهذیب همین روایت را با یک اضافه‌ای در آخر آن نقل کرده است؛ آن چیزی که در یک موضع دیگری از تهذیب مع اضافه آورده این است: «قَالَ إِذَا تَرَكَهَا أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ كَانَ أَثِمًا بَعْدَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بِأَذْنِهَا»^۳، این استثنا را در نقل دوم آورده است.

پس در یک نقل استثنا نیست و در یک نقل دیگر این استثنا وجود دارد؛ مهم این است که در این نقل اخیر شیخ طوسی که مشتمل بر استثنا است و در ذیل آن عبارت «إِلَّا أَنْ يَكُونَ بِأَذْنِهَا» وارد شده، علی بن احمد بن اشیم ذکر شده که مجهول است؛ یعنی نقل مشتمل بر استثنا که شیخ طوسی از طریق علی بن احمد بن اشیم نقل کرده، محل اشکال قرار گرفته است. لذا شهید ثانی گفته که این روایت ضعیف است و ضعف آن مربوط به این نقل است و آن هم به خاطر علی ابن احمد بن اشیم است. ما مسأله استثنا را بعداً رسیدگی خواهیم کرد. اما اجمالاً این روایت به نقل معتبر هم از صدوق و هم از طوسی وارد شده است و اطلاق دارد. فقط یک مشکله‌ای در اینجا هست و آن اینکه مورد این روایت المرأة الشابة است؛ ما این مطلب را در جهت پنجم رسیدگی می‌کنیم که آیا این حکم اختصاص به مرأة شابه دارد یا شامل غیر زن جوان نیز می‌شود.

سؤال:

استاد: زن غیر مدخول بها نیست؛ زن مدخول بها باید از چهار ماه بیشتر نشود.

پس در مجموع از این سه دلیل، دلیل اول مورد اشکال قرار گرفت؛ دلیل دوم علی وجه قابل استدلال است و در دلیل سوم اطلاق روایت قابل اخذ است و سند آن معتبر و صحیح است. علاوه بر این، بعضی از وجوه برای تأیید ذکر شده است که
إن شاء الله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. تهذیب، ج ۷، ص ۴۱۲، ح ۱۶۴۷؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۴۰، باب ۷۲ از ابواب مقدمات نکاح، ح ۱.

۲. من لایحضر الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۶، ح ۱۲۱۵.

۳. تهذیب، ج ۷، ص ۴۱۹، ح ۱۶۷۸.